



عبدالکریمی در همایش هانری کربن: فلسفه تطبیقی کربن تلاشی است برای گسستن نهیلیسم بشر در دوره جدید

عبدالکریمی، استاد فلسفه دانشگاه گفت: فلسفه تطبیقی کربن تلاشی است برای گسستن نهیلیسم بشر در دوره جدید. نهیلیسم یک حادثه نیست. یک رویداد تاریخی است که با ظهور متافیزیک آغاز می‌شود.

عبدالکریمی، استاد فلسفه دانشگاه گفت: فلسفه تطبیقی کربن تلاشی است برای گسستن نهیلیسم بشر در دوره جدید. نهیلیسم یک حادثه نیست. یک رویداد تاریخی است که با ظهور متافیزیک آغاز می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، اولین روز از همایش هانری کربن عصر روز گذشته با حضور اساتید برجسته فلسفه در سالن دکتر شهیدی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد.

بیژن عبدالکریمی استاد فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی دومین سخنران این همایش بود. وی در ابتدا با اشاره به اینکه همه ما خیلی به هانری کربن مدیون هستیم، گفت: من فکر می‌کنم یکی از بحران‌های انسان امروز این است که نمی‌توانیم به پرسش‌های چیستی و کیستی پاسخ دهیم. ما نمی‌دانیم که مفاهیمی مثل من مسلمانم، من ایرانیم و من شیعه‌ام چه معنایی می‌تواند داشته باشد. پاسخی که کربن به این سئوال‌ها می‌دهد پاسخ اصیلی است. او ایرانی و ایرانیت را به منزله یک سنت تاریخی می‌شناسد و با اینکه سالهاست از دنیا رفته خیلی از جریانات و دانشگاه‌های ما جلوتر است. ما نمی‌توانیم و نمی‌دانیم که چگونه می‌توانیم تاریخ مفهومی خود را بنویسیم البته این اواخر افرادی مثل علامه طباطبایی به این موضوع پی برده‌اند که ما چگونه می‌توانیم تاریخ خود را تقلیل پذیر بنویسیم.

وی افزود: به اعتقاد من فهم کربن درباره ایران فهم بسیار اصیلی است. سخن من این است که خیلی‌ها هانری کربن و ایزوتسو را به منزله مورخ که در یک حوزه خاص پژوهش‌هایی داشته و کوشیده مطالعات نسخه‌شناسانه داشته باشد، می‌شناسند اما من فکر می‌کنم تلاش‌های کربن تا سطح تفکر فلسفی ارتقا پیدا کرده است. آنچه که این دو نفر مطرح کرده‌اند نوعی تلاش برای چارچوب مشترک و واحد است. سئوالی که پیش می‌آید این است که چرا چهره‌هایی مثل کربن و ایزوتسو دنبال ایده فلسفه تطبیقی هستند و چه ضرورتی وجود دارد که کربن به طرح فلسفه تطبیقی بپردازد. آیا فلسفه تطبیقی با نحوه زیست ما ارتباط دارد یا ناشی از یک نوع کنجکاوی است. پاسخ ما این گونه است طرح فلسفه تطبیقی مبتنی بر ضرورت‌های فلسفی و نظری است و بدون درک این ضرورت هیچ‌کس نمی‌تواند به فلسفه تطبیقی بپردازد. اکثر ما فکر می‌کنیم فلسفه تطبیقی یعنی پاره‌ای از مقایسه‌ها در حالی که این گونه نیست و فلسفه تطبیقی نوعی تلاش عمیق فلسفی است.

عبدالکریمی در ادامه با طرح این سئوال که چرا کربن فلسفه تطبیقی را مطرح کرد، ادامه داد: در روزگار کنونی بعد از مدرنیته، تمدن غرب جهانی شد و عقلانیت مدرن همه جای دنیا و شرق در محاق غرب قرار گرفته است و چیزی از شرق جز در موزه‌ها باقی‌نمانده حتی در ملل شرقی هم از شرق خبری نیست. با دنیای مدرن زیست جهان جدیدی گشوده شده است. ماکیاولی خودش را به کریستف کلمب تشبیه می‌کند و می‌گوید من در حوزه سیاست و اخلاق قاره جدیدی کشف کردم. سئوال او این است که آیا سرزمین جدید زیستگاه مناسبی برای حیات بشری است یا نه. کسی می‌تواند به فلسفه تطبیقی بپردازد که انگیزه داشته باشد و نسبت خود را با جهان کنونی بداند. فلسفه تطبیقی گم‌شده‌ای است که نسبت به زیست جهان کنونی خرسند نیست. کربن و ایزوتسو هم این گونه بودند که سراغ فلسفه تطبیقی رفتند. آنها می‌خواهند به بحران جهان کنونی مثل بحران معنا و نهیلیسم جواب بدهند. کسی که نگاه آگوست کنتی دارد نیازی ندارد به گذشته رجوع کند اما کسی که به گذشته رجوع می‌کند کسی است که می‌خواهد به فلسفه تطبیقی توجه داشته باشد. فلسفه تطبیقی می‌خواهد از آزادی انسان دفاع کند. هایدگر در کتاب پرسش از تکنولوژی خود می‌گوید خطری زیانبارتر از انفجار سلاح‌های هسته‌ای انسان را تهدید می‌کند و آن اینکه بشر شیوه‌های دیگر تفکر را از بین می‌برد و فقط یک گونه می‌اندیشد و با هیچ تفکر دیگری آشنا نیست.

این استاد فلسفه اضافه کرد: کسی که به فلسفه تطبیقی توجه می‌کند می‌خواهد عقلانیت جدید و متافیزیکی را بشناسد و دنبال روزنه‌ای باشد تا در سنن تاریخی ماقبل مدرن عناصری پیدا کند که به زیستن او بتواند کمک کند. فلسفه تطبیقی کربن تلاشی است برای گسستن نهیلیسم بشر در دوره جدید. نهیلیسم یک حادثه نیست. یک رویداد تاریخی است که با ظهور متافیزیک آغاز می‌شود.

عبدالکریمی در پایان گفت: به عقیده کربن سنن حکمی یگانه پادزهر روزگار نهیلیسم و حکمت ایران یکی از زیباترین

حکمت ها است اما افسوس که به جای روی آوردن به این حکمت به تئولوژی، سیاست و چیزهای دیگر توجه کرده ایم.